

روستا و توسعه، سال ۲۴، شماره ۹۶، زمستان ۱۴۰۰

DOI: 10.30490/RVT.2021.352169.1281

مقاله پژوهشی

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از طریق مطالعه نقش میانجی توانمندسازی روستاییان

شهنام زندیه^۱، اصغر صراف‌زاده قزوینی^۲، اکبر عالم تبریز^۳، کمال سخدری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

چکیده

امروزه، صاحب‌نظران و نهادهای توسعه، کارآفرینی روستایی را مداخله‌ای راهبردی برای ارتقای توسعه روستایی و تسریع در روند آن می‌دانند که نقشی مهم در کاهش فقر و توسعه عدالت

۱- دانشجوی دکتری تخصصی کارآفرینی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۲- نویسنده مسئول و استادیار گروه مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (sarafizadeh@gmail.com)

۳- استاد گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه کارآفرینی سازمانی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اجتماعی و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی فراوان برای روستاییان دارد. بر این اساس، مطالعه حاضر، با هدف توسعه کارآفرینی روستایی، در پی پاسخ بدین پرسش بود که «چگونه می‌توان از طریق مطالعه نقش میانجی توانمندسازی روستاییان، موجب بهبود عملکرد زیست‌بوم و توسعه کارآفرینی در فضای روستایی کشور ایران شد؟». پژوهش کاربردی حاضر، با بهره‌گیری از روش کمی و راهبرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، به روش حداقل مربعات جزئی با رویکرد PLS انجام شد. گردآوری داده‌های پژوهش از طریق تکمیل ۱۰۲ پرسشنامه محقق‌ساخت روا و پایا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ صورت گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که دو جریان توانمندساز شناختی شامل توانمندسازهای فردی، گروهی و بنگاهی و جریان توانمندساز عاطفی یا روان‌شناختی با تأثیرپذیری از ابعادی همچون رفع موانع و بهبود محیط کسب‌وکار روستایی، حمایت و پشتیبانی از کسب‌وکارهای روستایی، طرح و برنامه روستایی، و اهداف و ارزش‌های کارآفرینی روستایی، می‌توانند منجر به توسعه کارآفرینی روستایی با شاخص‌هایی همچون ایجاد و یا حفظ و توسعه کسب‌وکارهای روستایی و یا کارآفرینی اجتماعی روستایی شوند. در پایان، بر اساس یافته‌های پژوهش، چند پیشنهاد کاربردی از جمله آگاهی‌افزایی در خصوص مؤلفه‌های توانمندساز در سه سطح فرد، گروه و بنگاه به کسب‌وکارهای روستایی، نقش‌آفرینی مربیان و مرشدان کسب‌وکارهای روستایی، نقش‌آفرینی‌های چندگانه دولت کارآفرین و نقش‌آفرینی کلیدی و حیاتی جوامع محلی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: توسعه کارآفرینی روستایی، توانمندسازی شناختی، توانمندسازی روان‌شناختی، زیست‌بوم توسعه کارآفرینی روستایی.

مقدمه

در تبیین نظری مفهوم توسعه پایدار، بر تعامل ابعاد سه‌گانه توسعه اقتصادی ماندگار، توسعه اجتماعی مقبول و توسعه محیطی درست تأکید می‌شود. در توسعه اقتصادی، هدف غایی تأمین رشد اقتصادی پایدار، بیشینه‌سازی منافع، گسترش بازار و کمینه‌سازی هزینه‌ها، در توسعه محیطی، هدف حفاظت و بازیافت منابع و کاهش ضایعات و در توسعه اجتماعی نیز هدف رضایت‌مندی از تأمین نیازها، افزایش خوداتکایی و توان‌افزایی است (Atkisson and Hatcher, 2001).

اساساً حوزه‌های روستایی، در قالب قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چراکه توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد.

پیامدهای توسعه نیافتگی روستایی مانند فقر گسترده، نابرابری فزاینده، کاهش جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه مناطق روستایی و ارجحیت آن به توسعه مناطق شهری است. در این مفهوم، توسعه پایدار، چه به‌صورت یک مفهوم کلی و چه در ارتباط با ابعاد مختلف زندگی روستاییان و همچنین، رابطه این ابعاد با محیط پیرامونی خود، دارای اهمیت ویژه است. در بررسی وضعیت مناطق روستایی و عشایری کشور ایران، می‌توان گفت که این مناطق، در مقایسه با سرمشق‌های توسعه در سطح ملی، استانی، ناحیه‌ای و شهری با شکاف مواجه‌اند. این شکاف پدیدآمده به کاهش تعداد و نرخ رشد جمعیت (کاهش ۳/۳ درصدی جمعیت روستایی در مقابل افزایش ۱۰/۳ درصدی جمعیت شهری از سرشماری ۱۳۹۰ تا سرشماری ۱۳۹۵)، عدم امکان جمعیت‌پذیری و حتی تثبیت جمعیت (۳۵/۵ درصدی روستاهای خالی از سکنه در سال ۱۳۹۵)، مهاجرت به مناطق شهری (کاهش ۷/۳ درصدی جمعیت فعال اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ با ۷۳۵۵۸۳ نفر بیکار در سال ۱۳۹۵)، عدم رضایت از زندگی در مناطق روستایی و عشایری (شکاف بیش از چهل درصدی درآمد مناطق روستایی نسبت به شهری با کسری ماهانه بیش از پنج برابر مناطق شهری) و افزایش سن و حتی سالخوردگی جمعیت فعال به‌ویژه در بخش بهره‌برداری از زمین انجامیده است. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای توسعه روستاها جزئی از برنامه‌های توسعه‌ای هر کشور محسوب می‌شود و برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌رود؛ و به‌طور کلی، تحقق توسعه ملی بدون توجه به مقوله توسعه روستایی امکان‌پذیر نخواهد بود. در مورد توسعه روستایی، نظریه‌های مختلف وجود دارد که از آن جمله‌اند: توسعه بوم‌شناختی (اکولوژیک)، توسعه پایدار محلی، شبکه‌های فضایی، نهادگرایی، توسعه ظرفیتی، ظرفیت نهادی محلی/

منطقه‌ای، حکمروایی محلی / منطقه‌ای، تعاون‌گرایی جدید، برقراری ارتباط راهبردی برای برنامه‌های توسعه‌ای و نهادهای حاکمیتی فراسازمانی. در پژوهش حاضر، از نظریه توانمندسازی استفاده شده است (Rural Development Document, 2017)

امروزه، اغلب کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار، «توانمندسازی» را کارآمدترین روش یافته‌اند (Parsons, 2001). رابطه توانمندسازی با توسعه پایدار را می‌توان به سه شیوه بررسی کرد: ۱- توانمندسازی به‌مثابه یکی از اجزای توسعه پایدار، ۲- توانمندسازی به‌مثابه عامل توسعه پایدار، و ۳- توانمندسازی به‌مثابه معلول توسعه پایدار (Mirzaei et al, 2011). برای دستیابی به توانمندسازی، می‌توان از ابزارهای مختلف و اقدامات متعدد استفاده کرد. کارآفرینی به‌عنوان مدل توسعه اقتصادی در خدمت به روستاییان با افزایش شغل، درآمد و ایجاد ثروت در بهبود کیفیت زندگی آنها مؤثر است و ابزاری مهم برای تحقق توسعه پایدار به‌شمار می‌آید. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی به‌منظور تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی، کاهش شکاف شهر-روستا، و ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی است. توانمندسازی به کارآفرینی ختم می‌شود؛ بر این اساس، روستاییان نیروی کار و منابعی هستند که می‌توانند در توسعه اقتصادی به‌کار گرفته شوند. بنابراین، یکی از راه‌های توسعه کارآفرینی روستایی شناسایی عوامل تسهیل‌کننده در زیست‌بوم کارآفرینی روستایی است، که عبارت‌اند از عوامل فردی و خانوادگی، عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل اقتصادی و مالی، نقش دولت و سیاست‌گذاری، عوامل پشتیبانی و حمایتی، آموزش، فناوری، نوآوری و زیرساخت‌ها در زیست‌بوم کارآفرینی روستایی (Sigler and Pearson, 2000).

هرچند، در پژوهش‌های پیشین، بارها به موضوعاتی همچون «چیستی» یا «چرایی» / ضرورت» توسعه کارآفرینی روستایی پرداخته شده، اما به‌نظر می‌رسد که در خصوص سنجش عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی ایران، پژوهش‌های زیادی ارائه نشده است، که

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

تحقیق حاضر پاسخی بدین نیاز است. از این رو، هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی یکپارچه برای تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مهم توسعه کارآفرینی روستایی و سنجش میزان اثرگذاری آنهاست و بدین پرسش پاسخ داده خواهد شد که «چگونه می‌توان از طریق مطالعه نقش میانجی توانمندسازی روستاییان موجب بهبود عملکرد زیست‌بوم و توسعه کارآفرینی در فضای روستایی کشور ایران شد؟».

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توسعه روستایی

رویکرد جامع بهبودبخشی به کیفیت زندگی انسان‌ها در راستای تحقق رفاه اقتصادی، اجتماعی و محیطی سکونتگاه‌های انسانی در مناطق روستایی «توسعه روستایی» نامیده می‌شود. به دیگر سخن، توسعه روستایی فرآیندی است که با سازمان‌دهی و تنظیم رابطه انسان و محیط و مدیریت بهره‌برداری از منابع و محیط زیست، دستیابی به تولید فراینده و مستمر، زندگی مطمئن، امنیت غذایی، عدالت و ثبات اجتماعی و مشارکت مردم در روستا را تسهیل می‌کند (Rural Development Document, 2017).

در مطالعه ادبیات توسعه روستایی، مهم‌ترین مدل‌های توسعه روستایی عبارت‌اند از: ۱- مدل روستاهای متمرکز، ۲- مدل روستاهای اشتراکی، ۳- مدل روستاهای عشایری، ۴- مدل روستاهای مشارکتی مقاوم، ۵- مدل روستای پایدار، ۶- مدل روستای سالم، ۷- مدل روستای گردشگری، ۸- مدل بوم روستا، ۹- مدل روستای مبتنی بر حکم روایی خوب، ۱۰- مدل روستای کارآفرین، و ۱۱- مدل هر روستا یک محصول. در ادامه، به دو مدل دارای برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود. همچنین، برخی تجارب کشورهای مختلف در خصوص توسعه روستایی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- تجارب کشورهای مختلف در خصوص توسعه روستایی

کشور	راهبردهای توسعه روستایی
هند	افزایش سطح درآمد روستاییان، ارتقای سطح مهارت‌ها و توانمندی‌های روستائیان، ایجاد فرصت شغلی جدید
آمریکا	توجه به بخش‌های غیرکشاورزی، تأکید بر جذب و توسعه فناوری‌های جدید، حفظ و توسعه کسب‌وکارهای موجود
چین	افزایش اندازه زمین‌های زراعی، بهره‌برداری بهینه از منابع کشاورزی، به کارگیری فناوری‌های جدید تولید خلاصه اهداف سیاست‌های توسعه روستایی، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ چشم‌اندازهای فرهنگی و کشاورزی، حفظ و توسعه مناطق روستایی پرجاذبه و مهم از طریق بهبود شرایط اقتصادی و رفاه جوامع روستایی
ترکیه	کمک به نوسازی بخش کشاورزی از طریق سرمایه‌گذاری‌های هدف هم‌زمان با افزایش پیشرفت امنیت غذایی، دامپزشکی و زیست‌محیطی مربوط به اتحادیه اروپا با دیگر استانداردها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کارآفرینی روستایی در بستر زیست‌بوم

خاتون‌آبادی و انداده (Khatoonabadi and Andadeh, 2008) کارآفرینی روستایی را چنین تعریف کرده‌اند: کارآفرینی روستایی عبارت است از ایجاد کسب‌وکار با بهره‌گیری از فرصت‌های محلی همراه با نوآوری و تلاش و پشتکار زیاد و پذیرش خطرهای مالی، روحی و اجتماعی، که با انگیزه‌های مختلف از جمله توفیق‌طلبی، رضایت‌بخشی، استقلال و کسب سود مالی انجام می‌شود. به باور پترین و گانون (Petrin and Gannon, 1997) و لویتاس (Levitas, 2000)، در دو پژوهش جداگانه، کارآفرینی روستایی اساساً با کارآفرینی شهری تفاوتی ندارد، مگر آنکه باید آن را در فضای روستا تصور کرد. مفهوم کارآفرینی روستایی تنها به کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط مانند صنایع غذایی محدود نمی‌شود، بلکه توسعه صنعتی را نیز پوشش می‌دهد. همچنین، این مفهوم تنها به روستاها محدود نمی‌شود و شهرهای کوچک و نواحی مجاور را نیز دربرمی‌گیرد.

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

در پارادایم سنتی توسعه کارآفرینی، فرض بر این است که برنامه توسعه کارآفرینی با تمرکز بر کارآفرینان و عمدتاً به منظور شناسایی و توسعه کارآفرینان بالقوه انجام می‌شود (Movahedi and Yaghoubi, 2012). اما بعد از مدتی، با تغییر در پارادایم سنتی، توسعه کارآفرینی روستایی علاوه بر تمرکز بر کارآفرینان روستایی، برای حمایت از کارآفرینان روستایی، به ایجاد زیست‌بومی برای توسعه کارآفرینی روستایی نیز تمرکز کرده است.

توانمندسازی

واژه «توانمندسازی»، در دهه اخیر، بیشتر رواج یافته و معادل واژه لاتین empowerment به معنی کسب قدرت یا واگذاری و محول کردن انجام کاری معین به منظور هدفی مشخص است. برخی از دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در زمینه مفاهیم مختلف توانمندسازی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- دیدگاه‌های مختلف در زمینه توانمندسازی

منبع	مفهوم توانمندسازی
رحمان‌پور (Rahmanpour, 2002)	ایجاد تغییرات ریسک‌پذیری و انعطاف‌پذیری در ساختار ذهنی روستاییان
درولت (Drolet, 2011)	فرآیندی از پایین به بالا در راستای پاسخ به نیازهای فقرا با افزایش قابلیت‌های اقتصادی
مافی (Mafi, 2009)	ایجاد خودباوری و اتکا به نفس در افراد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ابعاد توانمندسازی شامل خوداثربخشی، خودسازمانی، معنی‌دار بودن و مؤثر بودن است. احساس خوداثربخشی یا احساس خودکارآمدی به معنی اعتقاد فرد به مهارت‌ها و توانایی‌های خویش برای انجام امور است. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خوداثربخشی می‌کنند یا احساس می‌کنند که قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند (Whetten and Cameron, 2004). سه شرط برای احساس خوداثربخشی افراد پیشنهاد شده است، که

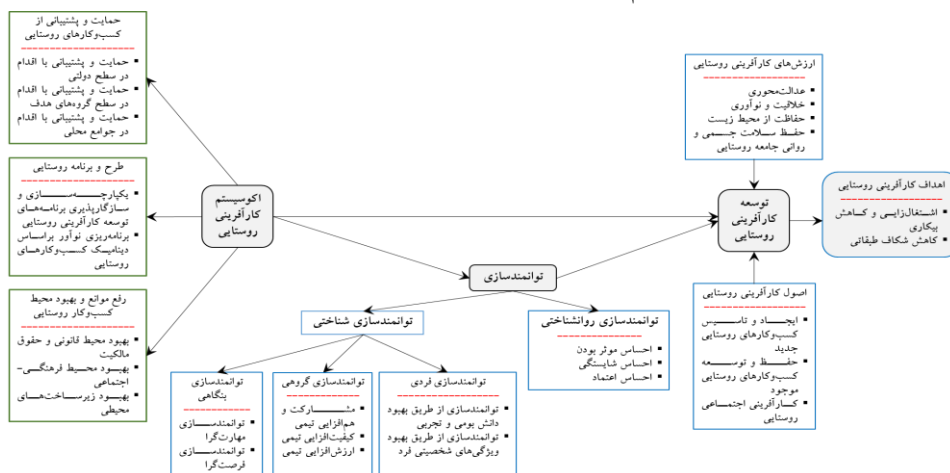
عبارت‌اند از: الف) باور به اینکه توانایی انجام کار را دارند، ب) باور به اینکه ظرفیت به کار بستن تلاش لازم را دارند، و ج) باور به اینکه مانعی خارجی آنها را از انجام کار مورد نظر باز نخواهند داشت (Verdinejad et al., 2008). احساس خودسازمانی به احساس انتخاب شخصی و درستی حق انتخاب اشاره دارد. هنگامی که افراد به جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسازمانی می‌کنند. آنها خود را افرادی خودآغازگر می‌بینند که قادرند به میل خود، اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیمات مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگذارند (Sigler and Pearson, 2000). پذیرفتن شخصی نتیجه عبارت است از اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در زمینه توانایی‌اش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب. داشتن احساس پذیرفتن شخصی نتیجه کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است. برای اینکه افراد احساس توانمندسازی کنند، نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند، اثری به دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند که می‌توانند آن اثر را به وجود آورند؛ یعنی، برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندسازی همراه باشد، آنها باید احساس کنند که کنترل نتیجه تولید یا خدمت ارائه شده را در دست دارند. افراد به علت اینکه کار معنی‌دار با احساس اهمیت شخصی و خودارزشی آنها همراه است، در اشتغال بدان هیجان و شوق بیشتری دارند. همچنین، افرادی که با احساس معنی‌دار بودن شغل، توانمند شده‌اند، نوآورتر و بر رده‌های بالاتر تأثیرگذارتر هستند (Whetten and Cameron, 2004). کشورها متناسب با شرایط، اولویت‌ها و ویژگی‌های خود به انتخاب راهبردهای توسعه روستایی متفاوت می‌پردازند. قطعاً بدون در نظر گرفتن تجارب جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغال‌زایی در روستا، بدون در نظر گرفتن راهبرد توسعه روستایی، نمی‌توان چندان توفیقی به دست آورد، چراکه اشتغال‌زایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا، عملاً نمی‌توان به یک موفقیت پایدار دست یافت. رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی عبارت‌اند از: رویکردهای اقتصادی، شامل سه راهبرد اصلاحات اراضی، توسعه کشاورزی و صنعتی‌سازی روستاها؛ رویکردهای اجتماعی، شامل

راهبردهای تأمین نیازهای اساسی، توسعه اجتماعات روستایی و مشارکت مردم در توسعه روستایی (محرک، میانجی‌گری و توانمندی)؛ رویکردهای فضایی-کالبدی، شامل راهبردهای مراکز رشد روستایی، آگروپلین یا توسعه روستایی مستمری، مدل مرکز-پیرامون و راهبرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی (تقویت سلسله‌مراتب روستایی)؛ و رویکرد جامع، شامل سه راهبرد توسعه یکپارچه و همه‌جانبگی روستایی، توسعه پایدار روستایی و الگوی توسعه‌ای روستای نمونه. به گفته پروفیسور دادلی سیرز، در مورد توسعه هر کشور، باید به سه سؤال اساسی پاسخ داد: ۱- فقر چه تغییری کرده است؟؛ ۲- بیکاری چه تغییری کرده است؟؛ و ۳- نابرابری چه تغییری کرده است؟ در نهایت، اگر یک یا دو مورد از مسائل اساسی یادشده بدتر شده باشند، حتی اگر درآمد سرانه دو برابر شده باشد، نمی‌توان گفت که توسعه اتفاق افتاده است.

مدل‌های کارآفرینی روستایی

در خصوص ابعاد مختلف کارآفرینی روستایی، تحقیقات مختلفی انجام گرفته که در مقاله حاضر، به برخی از آنها پرداخته شده است. النا و همکاران (Elena et al., 2015)، در تحقیقی با عنوان «مدل پیش‌بینی نوآوری در کارآفرینی روستایی»، به ارائه مدلی مفهومی شامل نوآوری، ویژگی‌های کارآفرینی و ویژگی‌های داخلی و خارجی شرکت و مکان پرداختند. همچنین، در مطالعه مونوز و کیمیت (Muñoz and Kimmitt, 2000)، با بررسی کارآفرینی روستایی بر اساس مکان در قالب یک چارچوب منسجم، به پویایی کارآفرینی روستایی پرداخته شده، که شامل سه بخش موقعیت فرهنگی، توانمندی سرزمینی و محصولات حساس به مکان است؛ و هدایت‌کنندگان کارآفرینی روستایی نیز شامل هدایت‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به اهمیت در نظر گرفتن هم‌زمان ابعاد و مؤلفه‌های مهم توسعه کارآفرینی روستایی، توانمندسازی و همچنین، زیست‌بوم کارآفرینی روستایی، یکی از مدل‌های یکپارچه توسعه کارآفرینی روستایی که توسط زندیه و همکاران (Zandieh et al., 2020) ارائه شده، به‌عنوان مدل مبنای پژوهش حاضر به کار بسته شده است (شکل ۱). یکی از ویژگی‌های مدل

پیشنهادی استفاده از نظریه عمومی سیستم‌ها برای ساخت مدل بوده که در آن، هر بنگاه فعال در کارآفرینی روستایی به مثابه سیستم در حال تعامل با محیط است.



مأخذ: زندیه و همکاران (zandieh et al., 2020)

شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

ورودی این سیستم ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی روستایی و خروجی آن توسعه کارآفرینی روستایی است. در این مدل، مؤلفه توانمندسازی نقش مؤلفه میانجی‌گری را دارد که روی سازوکار تأثیر زیست‌بوم بر توسعه کارآفرینی روستایی تأثیرگذار است.

در این مدل، توانمندسازی شامل دو بعد شناختی و روان‌شناختی است. منظور از بعد توانمندسازی شناختی نوعی تحول شناختی است که موجب توانمندی فردی، گروهی و بنگاهی می‌شود. توانمندسازی روان‌شناختی نیز نوعی تحول روان‌شناختی شامل (۱) احساس شایستگی (خوداثربخشی)، (۲) احساس کنترل بر سرنوشت (خودسازمانی)، (۳) احساس مؤثر بودن (پذیرفتن شخصی نتیجه)، (۴) احساس معنی‌دار بودن (ارزشمند بودن)، و (۵) احساس اعتماد (امنیت شخصی) است. جایگاه سازه توانمندسازی روان‌شناختی با تحلیلی شومپتری این‌گونه است که مرد عمل شومپتر (کارآفرین روستایی)، پس از کسب شناخت کافی در زمینه

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در سه سطح فردی، گروهی و بنگاهی، برای غلبه بر عوامل روان‌شناختی که موجب نوآوری و توسعه می‌شوند، بدین شاخص‌های پنج‌گانه نیاز دارد. این شاخص‌ها از جنس اقدامات خاص مدیریتی نیستند، بلکه تجارب یا باورهای افراد در مورد نقش خود در سازمان یا گروه را بازتاب می‌دهند.

حمایت و پشتیبانی از کسب‌وکارها: خدمات پشتیبانی در سیاست توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط متمرکز بر مشاور پایه برای آغاز به کار و ارائه طرح‌های کسب‌وکار است. این خدمات در سیاست توسعه کارآفرینی توصیه‌هایی مبتنی بر سرمایه‌گذاری خطرپذیر، بین‌المللی‌سازی و رشد سازمانی، حمایت از شرکت‌های نوظهور، حمایت حرفه‌ای از خوشه‌های مهندسی و سیستم‌های پشتیبان همچون راهنما (متورینگ) است.

رفع موانع و بهبود محیط کسب‌وکار: منظور از بهبود محیط کسب‌وکار بهبود مجموع عواملی است که بر فعالیت‌های سازمان اثر می‌گذارد که برای نمونه، می‌توان به افزایش سهولت در انجام و اداره فعالیت‌های تجارتي اقتصادی، تضمین حقوق صاحبان کسب‌وکار و ایجاد ثبات و شفافیت در حوزه قوانین و مقررات مرتبط اشاره کرد (Das, 2014).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و روش آن کمی بوده و با راهبرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با رویکرد PLS انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران، سرپرستان، کارشناسان سازمان‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر حوزه کارآفرینی روستایی، کارآفرینان حقیقی و حقوقی فعال در حوزه کارآفرینی روستایی و نیز اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی حوزه کارآفرینی و اشتغال به‌ویژه کارآفرینی روستایی بوده‌اند؛ همچنین، برای تعیین حجم نمونه، از روش بزرگ‌ترین مقدار حاصل از دو قاعده زیر استفاده شد: (۱) عدد ۱۰ ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش، و (۲) عدد ۱۰ ضرب در بیشترین روابط موجود در

بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند. بر این مبنای بیشترین تعداد شاخص بدین مؤلفه‌ها مربوط می‌شود: الف) مؤلفه برنامه‌ریزی نوآور بر اساس پویایی کسب‌وکار روستایی از زیرمجموعه جریان طرح و برنامه روستایی با هشت شاخص؛ و ب) مؤلفه حمایت و پشتیبانی با اقدام در سطح دولتی از زیرمجموعه جریان طرح و برنامه روستایی با هشت شاخص. بنابراین، مطابق قاعده اول ($80=8 \times 10$)، به هشتاد نمونه نیاز بوده و بیشترین ارتباط با متغیرهای دیگر مدل مربوط به مؤلفه زیست‌بوم کارآفرینی روستایی با پنج پیوند است و از این رو، مطابق قاعده دوم ($50=10 \times 5$)، به پنجاه نمونه نیاز بوده است. بنابراین، حداقل نمونه لازم هشتاد نمونه بوده که در پژوهش حاضر، برای اطمینان، دویست پرسشنامه توزیع شد؛ و پس از وصول پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۱۰۲ پرسشنامه مورد تحلیل نهایی قرار گرفت. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده و داده‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ جمع‌آوری شده است.

در پژوهش حاضر، به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، از نسبت روایی محتوا^۱ استفاده شد. با توجه به محاسبه این شاخص بر اساس تحلیل پاسخ پانزده نفر در پانل آزمون روایی، CVR کل پرسشنامه با عدد ۰/۶۵۷ بالاتر از مقدار بحرانی ۰/۶۰۰ مرجع بوده، که حاکی از روایی محتوای مناسب ابزار کمی پژوهش است. همچنین، برای سنجش پایایی پرسشنامه با ۷۴ سؤال با طیف لیکرت هفت‌گزینه‌ای، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده، که مقدار کل ۰/۹۷۱ حاکی از پایایی مناسب پرسشنامه است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.

نتایج و بحث

توصیف جمعیت‌شناختی

از میان ۱۰۲ پاسخ‌گوی پژوهش حاضر، نوزده درصد زن و ۸۱ درصد مرد بوده و گروه سنی مصاحبه‌شوندگان عمدتاً در بازه ۴۱ تا پنجاه سال (۴۱ درصد) و ۳۱ تا چهل سال (۳۹)

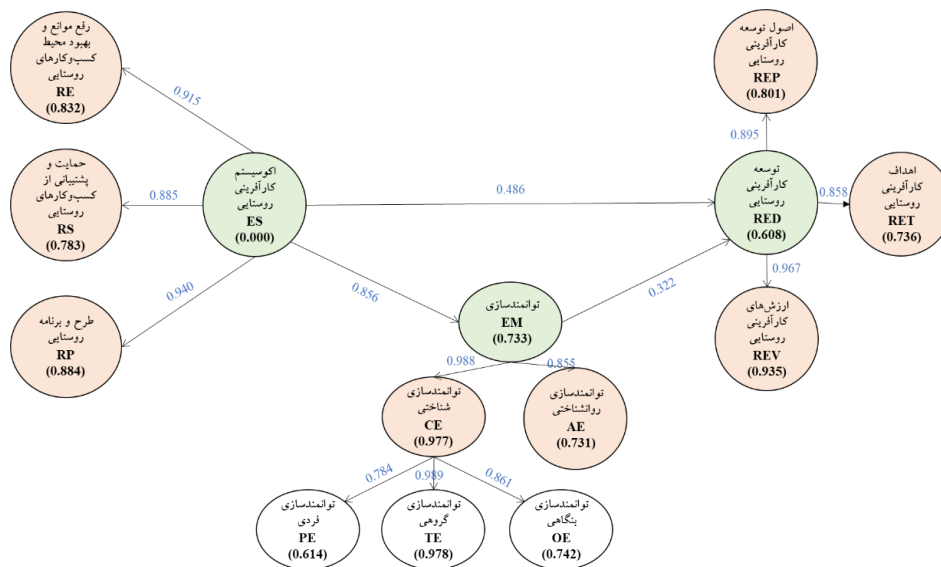
1. Content Validity Ratio (CVR)

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

درصد) است. موقعیت این افراد در سازمان عمدتاً مدیر عالی (۲۸ درصد) و سرپرست یا رئیس (۲۹ درصد) بوده و فراوانی کارآفرینان روستایی در بخش روستایی نه درصد است. همچنین، سابقه فعالیت ۶۳ درصد سازمان‌ها/شرکت‌هایی که افراد در آن اشتغال داشته‌اند، ده تا ۴۹ سال بوده و ۵۵ درصد این سازمان‌ها ادارات دولتی و ۲۴ درصد آنها انواع سهامی عام و خاص است.

تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در بخش کمی پژوهش، سعی می‌شود که با راهبرد توسعه مدل بهترین برازش مدل را با شرط رعایت مبانی نظری بهبود یابد؛ بدین منظور، از شیوه PLS-SEM استفاده شده است. شکل ۲ ساختار مدل و بار عاملی سازه‌های عملکردی آن را نشان می‌دهد.



شکل ۲- مدل ساختاری اجرا شده همراه با ضرایب بارهای عاملی

به منظور بررسی پایایی و روایی در روش PLS، از دو بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری استفاده می‌شود. برای بررسی برازش بخش اول، شاخص پایایی

(مشمول بر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب بارهای عاملی) و روایی همگرا و واگرا و همچنین، در بخش دوم، ضرایب معنی‌داری مقدار t (t-value) و GOF مورد مطالعه قرار می‌گیرند، که نتایج آنها در جداول ۳ تا ۵ آمده است.

جدول ۳- نتایج اندازه‌گیری سه معیار مدل

عنوان در مدل	متغیرهای مکنون	ضریب پایایی ترکیبی آلفا	ضریب آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراجی
(PE)	توانمندسازی فردی	۰/۶۰۷	۰/۵۶۳	۰/۶۵۲
(TE)	توانمندسازی گروهی	۰/۷۹۱	۰/۹۲۴	۰/۹۰۰
(OE)	توانمندسازی ینگاهی	۰/۵۹۴	۰/۶۳۰	۰/۵۶۴
(RS)	حمایت و پشتیبانی	۰/۷۴۱	۰/۸۵۹	۰/۶۱۰
(RE)	بهبود محیط کسب و کار	۰/۸۶۸	۰/۸۷۴	۰/۷۴۶
(RP)	طرح و برنامه روستایی	۰/۷۷۸	۰/۹۰۱	۰/۷۱۱
(AE)	توانمندسازی روان‌شناختی	۰/۹۶۱	۰/۹۴۰	۰/۸۹۲
(RET)	اهداف کارآفرینی روستایی	۰/۸۲۱	۰/۵۶۵	۰/۶۹۷
(REV)	ارزش‌های کارآفرینی روستایی	۰/۹۱۰	۰/۸۷۲	۰/۶۷۵
(RED)	توسعه کارآفرینی روستایی	۰/۸۹۵	۰/۸۲۵	۰/۷۴۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ (۰/۷)، پایایی ترکیبی (۰/۷) و AVE (۰/۵)، مطابق با یافته‌های جدول ۳، تمامی این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسب را اتخاذ کرده‌اند؛ و از این رو، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرای پژوهش حاضر را تأیید کرد. از سوی دیگر، همان‌گونه که جدول ۴ برگرفته از روش فورنل و لارکر (Fornell and Larker, 1981) نشان می‌دهد، مقدار جذر AVE متغیرهای مکنون پژوهش حاضر (ستون آخر جدول ۳) که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی مرتب شده‌اند، بیشتر است؛ از این رو، می‌توان گفت که در پژوهش حاضر، سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر. به دیگر سخن، روایی واگرایی مدل در حد مناسب است.

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

جدول ۴- گزارش معیار مدل اندازه گیری (نتایج روایی واگرا)

سازه‌ها	PE	TE	OE	RS	RE	RP	AE	RET	REV	RED
توانمندسازی فردی (PE)	۰/۷۷۹									
توانمندسازی گروهی (TE)	۰/۷۱۳	۰/۸۸۵								
توانمندسازی بینگامی (OE)	۰/۵۷۶	۰/۸۰۶	۰/۷۵۲							
حمایت و پشتیبانی (RS)	۰/۵۷۱	۰/۷۰۷	۰/۷۴۶	۰/۷۸۰						
بهبود محیط کسب و کار (RE)	۰/۶۳۳	۰/۷۷۲	۰/۶۸۲	۰/۷۵۵	۰/۸۶۰					
طرح و برنامه روستایی (RP)	۰/۵۶۴	۰/۷۶۲	۰/۶۹۳	۰/۷۳۶	۰/۸۳۲	۰/۸۴۰				
توانمندسازی عاطفی (AE)	۰/۵۶۳	۰/۷۸۰	۰/۶۳۸	۰/۶۵۵	۰/۷۵۴	۰/۸۱۷	۰/۹۴۴			
اهداف کارآفرینی روستایی (RET)	۰/۴۹۹	۰/۶۶۴	۰/۵۸۵	۰/۶۰۷	۰/۶۱۳	۰/۷۴۳	۰/۸۱۹	۰/۸۳۱		
ارزش‌های کارآفرینی روستایی (REV)	۰/۴۶۹	۰/۶۴۶	۰/۵۴۹	۰/۵۹۷	۰/۶۴۴	۰/۷۶۵	۰/۷۴۰	۰/۷۷۱	۰/۸۲۲	
توسعه کارآفرینی روستایی (RED)	۰/۴۴۷	۰/۶۰۲	۰/۵۶۶	۰/۶۱۶	۰/۵۸۸	۰/۶۸۹	۰/۶۶۳	۰/۶۵۳	۰/۷۷۹	۰/۸۶۰
بیشینه	۰/۷۷۹	۰/۸۸۵	۰/۷۵۲	۰/۷۸۰	۰/۸۶۰	۰/۸۴۰	۰/۹۴۴	۰/۸۳۱	۰/۸۲۲	۰/۸۶۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۵- گزارش نتایج فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب مسیر	فرضیه‌های پژوهش
پذیرش	۰/۷۸۴	۱. تغییرات توانمندسازی فردی تأثیر معنادار آماری بر توانمندسازی شناختی دارد.
پذیرش	۰/۹۸۹	۲. تغییرات توانمندسازی گروهی تأثیر معنادار آماری بر توانمندسازی شناختی دارد.
پذیرش	۰/۸۶۱	۳. تغییرات توانمندسازی بنگاهی تأثیر معنادار آماری بر توانمندسازی شناختی دارد.
پذیرش	۰/۹۸۸	۴. تغییرات توانمندسازی شناختی تأثیر معنادار آماری بر توانمندسازی دارد.
پذیرش	۰/۸۵۵	۵. تغییرات توانمندسازی روان‌شناختی تأثیر معنادار آماری بر توانمندسازی دارد.
پذیرش	۰/۹۱۵	۶. تغییرات در رفع موانع و بهبود محیط کسب و کار تأثیر معنادار آماری بر زیست‌بوم کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۸۸۵	۷. تغییرات در حمایت و پشتیبانی از کسب‌وکارهای روستایی تأثیر معنادار آماری بر زیست‌بوم کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۹۴۰	۸. تغییرات در طرح و برنامه روستایی تأثیر معنادار آماری بر زیست‌بوم کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۸۹۵	۹. تغییرات توسعه کارآفرینی روستایی تأثیر معنادار آماری بر تحقق اصول توسعه کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۹۶۷	۱۰. تغییرات توسعه کارآفرینی روستایی تأثیر معنادار آماری بر تحقق ارزش‌های کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۸۵۸	۱۱. تغییرات توسعه کارآفرینی روستایی تأثیر معنادار آماری بر تحقق اهداف توسعه کارآفرینی روستایی دارد.
پذیرش	۰/۳۲۲×۰/۸۵۶	۱۲. زیست‌بوم کارآفرینی روستایی از طریق میانجی‌گری متغیر توانمندسازی بر توسعه کارآفرینی روستایی تأثیر معنی دار دارد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

شایان یادآوری است که در جدول ۵، در مواردی که آماره t از عدد ۱/۹۶ بیشتر است، در سطح احتمال ۹۵ درصد، ضرایب مسیر مربوط معنی دار است و همچنین، فرضیه مورد نظر پذیرفته می‌شود، که تحلیل آن در بخش بعد آمده است. در ادامه مطالعه، معیار کوهن که اندازه تأثیر (f^2) سازه‌های مدل بر یکدیگر را نشان می‌دهد، حاکی از اندازه تأثیر بزرگ تاب‌آوری

عاطفی- ارزشی بر رفتاری است و بقیه سازه‌ها از اندازه تأثیر متوسط برخوردارند. همچنین، معیار استون و گیزر Q^2 نشان می‌دهد که این معیار برای کلیه مؤلفه‌های سازه‌های اصلی مدل یعنی، توانمندسازی شناختی (فردی، گروهی و بنگاهی) بیشتر از عدد $0/33$ است، که قدرت پیش‌بینی قوی این سازه‌ها را نشان می‌دهد. معیار GOF مدل نیز معادل $0/672$ بوده که با توجه به بیشتر بودن آن از عدد $0/36$ ، نشان‌دهنده برازش قوی مدل است.

بر اساس فرضیه اول تحقیق، سازه توانمندسازی فردی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۷۸ درصد سازه توانمندسازی شناختی و به صورت غیرمستقیم اولاً توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۷۷ درصد ($0/988 \times 0/784$) سازه توانمندسازی و ثانیاً توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۲۵ درصد ($0/322 \times 0/988 \times 0/784$) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات اسپریزر (Spreitzer, 1996)، فرهنگ‌ی و صفرزاده (Farhangi and Safarzadeh, 2007) و نعمتی (Nemati, 2013) همسو است. مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، توانمندسازی فردی شامل دو مؤلفه پیشینه دانشی فرد و همچنین، ویژگی‌های شخصیتی فرد است. منظور از فرد کارآفرینان بالقوه و بالفعل روستایی است. این افراد یا در در روستا ساکن هستند و یا محل فعالیت آنها روستاست. مؤلفه ویژگی‌های شخصیتی فرد شامل دو شاخص افزایش عزت نفس و تقویت کانون کنترل درونی فرد است. منظور از عزت نفس افزایش خودباوری از طریق ارزشمندی‌پنداری، توانا‌پنداری و عاقل‌پنداری خویش است. منظور از کانون کنترل درونی تقویت این باور در فرد است که پیشامدها نتیجه رفتار یا ویژگی خود اوست؛ به دیگر سخن، تقویت واقع‌بینی، شناخت و منطقی بودن است. مؤلفه پیشینه دانشی فرد شامل دو شاخص دانش تجربی پیشین فرد و دانش بومی فرد است و شاخص افزایش سطح تحصیلی افراد به عنوان شاخصی برای توانمندسازی فردی مطابق یافته‌های پژوهش مورد حمایت قرار نگرفت. مطابق یافته‌های پژوهش هم‌نژادی فرد کارآفرین با منطقه فعالیت روستایی می‌تواند به کشف و بهره‌برداری بیشتر و بهتر از دانش بومی کمک کند. بر اساس دیدگاه اعضای پانل، سنجه‌های تشکیل‌دهنده شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد توانمندسازی مدل به دو دسته

طبقه‌بندی شد: سنجه‌های دارای تأثیر دوسویه^۱ و سنجه‌های دارای تأثیر یک‌سویه^۲. با کمک طیف لیکرت، اعضای پانل دو شاخص دانش بومی و تجربی فرد و همچنین، شاخص تقویت کنترل درونی را جزو شاخص‌های دوسویه قوی و شاخص عزت نفس را جزو شاخص‌های تک‌سویه طبقه‌بندی کردند. بدین ترتیب، اهمیت سه شاخص دانش بومی، دانش تجربی و تقویت کنترل درونی تشکیل‌دهنده مؤلفه توانمندسازی فردی نه‌تنها برای موفقیت و تحقق اهداف کارآفرینی روستایی الزامی است، بلکه فقدان آنها موجب شکست یا عدم تحقق این اهداف خواهد شد.

همچنین، بر اساس فرضیه دوم تحقیق حاضر، سازه توانمندسازی گروهی به‌صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۹ درصد سازه توانمندسازی شناختی و به‌صورت غیرمستقیم اولاً توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۸ درصد ($0/988 \times 0/989$) سازه توانمندسازی و ثانیاً توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۳۱ درصد ($0/322 \times 0/988 \times 0/989$) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات مقیمی و رضوان (Moghimi and Rezvan, 2011)، مؤمنی هلالی و مؤذن (Momeni Helali and Moazen, 2015) و اُتیمان (Otiman, 2011) همسو است. مطابق یافته‌های پژوهش حاضر، توانمندسازی گروهی شامل سه مؤلفه مشارکت و هم‌افزایی گروهی، کیفیت‌افزایی گروهی و ارزش‌آفرینی گروهی است. مؤلفه مشارکت و هم‌افزایی گروهی شامل دو شاخص هم‌افزایی گروهی و مشارکت در مهارت‌افزایی گروهی است. مؤلفه کیفیت‌افزایی گروهی شامل دو شاخص نوآوری گروهی و کیفیت کار گروهی است. مؤلفه ارزش‌افزایی گروهی شامل دو شاخص ارزش‌های اقتصادی و مالی و ارزش‌های فرهنگ گروهی است، که البته دو سنجه تشکیل‌دهنده شاخص ارزش‌های

۱- سنجه‌های دوسویه عبارت‌اند از سنجه‌هایی که حضور آنها در مدل موجب موفقیت و تحقق اهداف توسعه کارآفرینی و فقدان آنها موجب شکست یا عدم تحقق اهداف می‌شود.

۲- سنجه‌های یک‌سویه عبارت‌اند از سنجه‌هایی که صرفاً حضور آنها موجب موفقیت و تحقق اهداف توسعه کارآفرینی می‌شود.

اقتصادی و مالی و در نتیجه، این شاخص در مرحله آزمون معنی داری Z تحلیل های بخش کمی پژوهش، از مدار تحلیل خارج شدند.

بر اساس فرضیه سوم تحقیق، سازه توانمندسازی بنگاهی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۸۶ درصد سازه توانمندسازی شناختی و به صورت غیرمستقیم اولاً توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۸۵ درصد ($0/988 \times 0/861$) سازه توانمندسازی و ثانیاً توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۲۷ درصد ($0/322 \times 0/988 \times 0/861$) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق اُتیمان (Otiman, 2011) همسو است. مطابق یافته های این پژوهش توانمندسازی بنگاهی شامل دو مؤلفه توانمندسازی فرصت گرا و توانمندسازی مهارت گراست. مؤلفه توانمندسازی فرصت گرا شامل سه شاخص بهره برداری و کشف فرصت ها، ارزیابی تغییرات محیطی به عنوان یک فرصت و مشارکت فعال در حل مسائل کسب و کار روستایی است؛ مؤلفه توانمندسازی مهارت گرا نیز شامل دو شاخص مهارت وحدت فرماندهی و نقش آن در توانمندسازی بنگاهی و یادگیری مهارت های اداره کسب و کار همچون مدیریت مالی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت اطلاعات، مدیریت شبکه سازی و مانند اینهاست. همچنین، بر اساس فرضیه چهارم تحقیق حاضر، تغییرات توانمندسازی شناختی تأثیر معنی دار آماری بر توانمندسازی دارد. سازه توانمندسازی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۹۸ درصد سازه توانمندسازی را دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات اسپریزر (Spreitzer, 1996)، نعمتی (Nemati, 2013) و اُتیمان (Otiman, 2011) و نیز با نتایج پژوهش فرهنگی و صفرزاده (Farhangi and Safarzadeh, 2007) همسو است.

بر اساس فرضیه پنجم تحقیق، سازه توانمندسازی روان شناختی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۸۵ درصد سازه توانمندسازی و به صورت غیرمستقیم توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۲۷ درصد ($0/322 \times 0/855$) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. سازه توانمندسازی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش بینی مقدار ۸۵ درصد سازه توانمندسازی را دارد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات سیگلر و پیرسون (Sigler and Pearson, 2000)،

پترین و گانون (Pettrin and Gannon, 1997) و وتن و کامرون (Whetten and Cameron, 2004) همسو است. توانمندسازی روان‌شناختی دربرگیرنده احساس شایستگی (خوداثربخشی)، احساس کنترل بر سرنوشت (خودسازمانی)، احساس مؤثر بودن (پذیرفتن شخصی نتیجه)، احساس معنی دار بودن (ارزشمند بودن) و احساس اعتماد (امنیت شخصی) است. مجموعه این شاخص‌ها نیز تضمین‌کننده توانمندسازی روان‌شناختی افراد است. شاید جایگاه سازه توانمندسازی روان‌شناختی را با تحلیلی شومپتری، بتوان این‌گونه توصیف کرد که مرد عمل شومپتر (در پژوهش حاضر، کارآفرین روستایی) پس از کسب شناخت کافی در زمینه مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در سه سطح فردی، گروهی و بنگاهی برای غلبه بر عوامل روان‌شناختی (مؤلفه‌هایی که موجب نوآوری و توسعه می‌شوند)، بدین شاخص‌های پنج‌گانه نیاز دارد. این شاخص‌ها از جنس اقدامات خاص مدیریتی نیستند، بلکه تجارب یا باورهای افراد در مورد نقش خود در سازمان یا گروه را منعکس می‌کنند.

همچنین، بر اساس فرضیه ششم تحقیق حاضر، سازه رفع موانع و بهبود محیط کسب و کار روستایی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۱ درصد سازه زیست‌بوم کارآفرینی روستایی و به صورت غیرمستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۴۴ درصد (۰/۹۱۵×۰/۴۸۶) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات شریف‌زاده و همکاران (Sharifzadeh et al., 2010)، حسینی‌نیا و فلاحی (Hosseiniinia and Fallahi, 2017)، علی‌دوست و لشگرآرا (Alidoust and Lashgarara, 2013) و پوررجب (Pourrajab, 2011) همسو است. سازه رفع موانع و بهبود محیط کسب و کار روستایی به تحلیل سه مؤلفه تشکیل‌دهنده آن شامل بهبود محیط قانونی و حقوق مالکیت، بهبود محیط فرهنگی-اجتماعی و بهبود زیرساخت‌های محیطی می‌پردازد.

بر اساس فرضیه هفتم تحقیق، سازه حمایت و پشتیبانی از کسب و کارهای روستایی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۸۹ درصد سازه زیست‌بوم کارآفرینی روستایی و به صورت غیرمستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۴۳ درصد (۰/۸۸۵×۰/۴۸۶) سازه توسعه

توسعه مدل کارآفرینی روستایی در ایران از.....

کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات احمدپور داریانی و ملکی (Ahmadpour Daryani and Maleki, 2015) و یونگ (Young, 2010) همسو است؛ و مؤلفه‌های حمایت و پشتیبانی از طریق مهارت‌افزایی گروه‌های هدف که به مهارت‌افزایی زنان روستایی و عشایر، اجرا و ارزیابی سیاست‌های حمایت و پشتیبانی با محوریت جوامع محلی با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای در تولید محصولات روستایی مانند مناطقی با مزیت تولید پسته، خرما یا کفش و اخذ بازخورد اثربخشی سیاست‌های حمایت و پشتیبانی از متولیان محلی و منطقه‌ای مانند فرمانداری‌ها، بخش‌داری‌ها، دهیاری‌ها و... و نیز به مشارکت‌افزایی جوامع محلی با نقش مهم نخبگان روستایی در توسعه کارآفرینی روستایی و نقش جوامع محلی در ترویج تجربه و دانش بومی روستایی (مانند دانش بومی زعفران‌کاران، دانش بومی زنان روستایی، تقویت نظام استاد-شاگردی و...) می‌انجامد، از نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

همچنین، بر اساس فرضیه هشتم تحقیق حاضر، سازه طرح و برنامه روستایی به صورت مستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۴ درصد سازه زیست‌بوم کارآفرینی روستایی و به صورت غیرمستقیم توان تبیین و یا پیش‌بینی مقدار ۴۶ درصد ($0/94 \times 0/486$) سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقاتی در زمینه بی‌ثباتی در سیاست‌های دولت، نامناسب بودن سیاست‌های ارزی دولت، ضعف نظام بیمه‌ای، محدودیت‌های قوانین کار/اجرای طرح تجدید ساختار راهبردی کشاورزی در برنامه توسعه کارآفرینی چین همسو است و این سازه به تحلیل دو مؤلفه تشکیل‌دهنده آن شامل یکپارچه‌سازی و سازگارپذیری برنامه‌های توسعه کارآفرینی روستایی و برنامه‌ریزی نوآور بر اساس پویایی کسب و کارهای روستایی می‌پردازد. مؤلفه پیشینه و ملاحظات جغرافیایی مناطق روستایی با سنجه‌های برنامه‌ریزی برای دسترسی کارآفرینان روستایی برای تأمین مواد اولیه باکیفیت و برنامه‌ریزی بر اساس اقلیم روستایی جزو نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

بر اساس فرضیه نهم تحقیق، مؤلفه اهداف کارآفرینی روستایی به صورت مستقیم توان

تیین و یا پیش‌بینی مقدار ۸۶ درصد سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقاتی در زمینه اشتغال عمومی (Das, 2014)، اشتغال (Otiman, 2011)، اشتغال مولد (Mohammadi Elias, 2009)، ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی (Faraji Sabokbar et al., 2011) و کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال مفید (Petrin and Gannon, 1997) همسو است؛ مؤلفه اهداف کارآفرینی روستایی در بخش کیفی پژوهش با سه شاخص اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری، ایجاد ثروت مشروع و کاهش شکاف طبقاتی تییین شد، که شاخص ایجاد ثروت مشروع به دلیل معنی‌دار نبودن آماره Z از مدار تحلیل خارج شد.

همچنین، بر اساس فرضیه دهم تحقیق حاضر، مؤلفه ارزش‌های کارآفرینی روستایی به صورت مستقیم توان تییین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۷ درصد سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقاتی در زمینه فراهم‌آوری فرصت‌های شغلی (Das, 2014) و توانمندسازی فقرای روستایی (Mohammadi Elias, 2009) همسو است؛ مؤلفه ارزش‌های کارآفرینی روستایی در بخش کیفی پژوهش با پنج شاخص عدالت‌محوری، خلاقیت و نوآوری، حفاظت از محیط زیست، حفظ سلامت جسمی و روانی جامعه روستایی و خوداتکایی جامعه روستایی تییین شد، که شاخص خوداتکایی جامعه روستایی به دلیل معنی‌دار نبودن آماره Z از مدار تحلیل خارج شد.

بر اساس فرضیه یازدهم تحقیق، مؤلفه اصول کارآفرینی روستایی به صورت مستقیم توان تییین و یا پیش‌بینی مقدار ۹۷ درصد سازه توسعه کارآفرینی روستایی را دارد. این نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقاتی در زمینه تشویق به ایجاد کسب‌وکارهای جدید توسط گروه‌های هدف (Otiman, 2011)، ایجاد فعالیت متناسب با نیازهای شناسایی‌شده جامعه محلی (Dabson et al., 2003)، ایجاد کسب‌وکارهای جدید در فرآیند توسعه کارآفرینی روستایی (Yasouri et al., 2015) همسو است؛ مؤلفه ارزش‌های کارآفرینی روستایی در بخش کیفی پژوهش با سه شاخص ایجاد و تأسیس کسب‌وکارهای روستایی، حفظ و توسعه کسب‌وکارهای موجود

روستایی و کارآفرینی اجتماعی روستایی تبیین شد.

سرانجام، بر اساس فرضیه دوازدهم تحقیق حاضر، زیست‌بوم کارآفرینی روستایی از طریق میانجی‌گری متغیر توانمندسازی بر توسعه کارآفرینی روستایی تأثیر معنی‌دار دارد. ضریب مسیر مربوط بدین فرضیه $0/856 \times 0/322$ بوده، که مورد تأیید است.

از آنجا که پژوهش حاضر متغیر میانجی توانمندسازی (شناختی و روان‌شناختی) را به‌عنوان تغییردهنده سازوکار اثر ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی روستایی بر توسعه کارآفرینی روستایی معرفی و از نظریه سلسله‌مراتب لایویج و استینر (Lavidge and Steiner, 1961) به‌منظور ارائه تبیینی جدید برای معرفی سازه توانمندسازی استفاده کرده است، بر اساس سنخ‌شناسی کولکوئیت و زاپاتا-فلان (Colquitt and Zapata-Phelan, 2007)، میزان مشارکت نظری پژوهش حاضر در رده توسعه‌دهندگان قرار می‌گیرد، که این‌گونه آثار پژوهشی حد بسیار بالایی از فعالیت ساخت نظریه و آزمون نظریه را به‌صورت توأمان دارند. این نوع آثار پژوهشی موجب توسعه و گسترش نوشتارهای علمی مرتبط با موضوع نظریه‌پردازی می‌شوند. بسط‌دهندگان به بر ساخته‌ها، روابط یا فرآیندهایی توجه می‌کنند که موضوع نظریه‌پردازی‌های پیشین نبوده‌اند (Mohammadi Elias, 2009)؛ و بنابراین، از مشارکت نظری در سطوح بالا برخوردارند. از این‌رو، پژوهش حاضر در حوزه «چگونگی» رویداد توانمندسازی در «بستر و زمینه» محیط کسب‌وکارهای روستایی در ایران، فرآیندها و راهبردهایی ارائه می‌کند که حاکی از نوآوری و مشارکت نظری آن است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، در خصوص فرضیه‌های یک تا چهار، تمرکز بر ده فرمان کارگروهی ضرورت دارد، که عبارت‌اند از: ۱) تقویت حس مشترک در یک گروه چندنفره یا تیم، ۲) رهبری مناسب و اثربخش در گروه، ارتباطات اثربخش در گروه، ۳) تقویت فرهنگ همکاری و تعهد افراد گروه، ۴) تقویت اعتماد صداقت‌محور در گروه، ۵) یادگیری از

مسیر تأمل در تجارب گذشته، ۶) نحوه انتخاب افراد گروه با مهارت‌های مکمل یکدیگر، ۷) یادگیری نحوه حل نوآورانه مسائل و مشکلات، ۸) نحوه توجه لازم به مسائل، ۹) نحوه استفاده بهینه از تجهیزات و منابع مادی در اختیار، و ۱۰) استانداردسازی فعالیت‌ها و خدمات؛ همگی اینها موجب هم‌افزایی، کیفیت‌افزایی و ارزش‌افزایی گروهی (تیمی) خواهد شد. در نهایت، اگرچه برای کسب‌وکارهای روستایی، داشتن مهارت‌هایی همچون مدیریت مالی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت اطلاعات، مدیریت شبکه‌سازی و... مانند هر کسب‌وکار دیگری لازم است، اما شرط کافی نیست و به دلیل اجتناب از اختلاف سلیقه‌ها و نزاع‌های خانوادگی، نژادی، قومی و... که در محیط روستا شایع‌تر از محیط‌های شهری است، آموختن مهارت وحدت‌فرماندهی و تبعیت از آن در حال حاضر بسیار ضروری است. در خصوص فرضیه پنجم مبنی بر معنی‌دار بودن تأثیر تغییرات توانمندسازی روان‌شناختی بر توانمندسازی، به مشاوران یا مربی‌های کسب‌وکار (متورها) نیاز است تا بتوانند به تحقق این فرآیندها کمک کنند. همچنین، لازم است برای شکل‌گیری تعهد بدین تغییر، نخست، ارزش‌های کارآفرینی روستایی برای روستاییان و کارآفرینان روستایی تبیین شود تا بدانند در سایه این تغییر، چگونه می‌توان بدین اهداف دست یافت: اول، احساس ارزش؛ دوم، حق مالکیت و تصمیم‌گیری؛ سوم، حق دسترسی برابر به فرصت‌ها؛ چهارم، کنترل زندگی خود در محیط اجتماعی روستا؛ و پنجم، قدرت تأثیرگذاری بر تغییرات اجتماعی.

در مورد تغییرات ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی روستایی (حمایت و پشتیبانی از کسب‌وکار، طرح و برنامه روستایی و رفع موانع و بهبود محیط کسب‌وکار روستایی)، می‌توان گفت که مهم‌ترین اقدام در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار روستایی بهبود محیط فرهنگی-اجتماعی است. ترویج دو مؤلفه فرهنگی مهم در حوزه توسعه کسب‌وکارهای روستایی یعنی، ترویج خلاقیت و نوآوری و همچنین، ترویج فرهنگ آبادانی روستایی به‌ویژه عرق به روستای محل زندگی نیازمند تربیت و اعزام سفرای فرهنگی کارآفرینی روستایی است، که نقش مهمی در تحقق اهداف کارآفرینی روستایی یعنی، اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری و همچنین، کاهش

شکاف درآمدی ایفا خواهد کرد؛ و در زمینه تغییرات ابعاد توسعه کارآفرینی روستایی (ارزش‌های کارآفرینی روستایی، اهداف کارآفرینی روستایی و اصول توسعه کارآفرینی روستایی)، می‌توان گفت که توسعه کارآفرینی روستایی به‌مثابه یک نظام نیازمند پایش و ارزیابی نتایج به‌طور مستمر و دوره‌ای است. در این راستا، تحقق هدف اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری از طریق سنجه‌هایی همچون نرخ رشد اشتغال، نرخ فرصت‌سازی شغلی و... و شاخص کاهش شکاف طبقاتی از طریق سنجه‌هایی همچون توسعه و رشد متوازن شهر و روستا، کاهش انواع فقر، درآمدزایی و... پایش می‌شود و ترویج فرهنگ کارآفرینی روستایی در گرو ترویج ارزش‌هایی است که در تحقق اهداف کارآفرینی روستایی، به ما کمک خواهد کرد. این ارزش‌ها عبارت‌اند از: (۱) عدالت‌محوری، (۲) خلاقیت و نوآوری، (۳) خلق و توسعه کسب‌وکارهای روستایی، (۴) حفاظت از محیط زیست، و (۵) حفظ سلامت جسمی و روانی جامعه روستایی. منظور از عدالت‌محوری به‌عنوان یک ارزش در کارآفرینی روستایی پرورش استعدادها و دسترسی عادلانه جامعه روستایی به موقعیت‌های کارآفرینانه است. همچنین، هرگونه اقدام در حوزه توسعه کارآفرینی روستایی نباید به محیط زیست روستایی و نیز به سلامت جسمی و روانی روستاییان به‌صورت عام و کارآفرینان روستایی به‌صورت خاص آسیب بزند.

در پایان، زمینه‌هایی برای پژوهش‌های آتی به‌شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- بررسی نقش جنسیت در فرآیند توانمندسازی؛ البته متغیر جنسیت در ابتدا جزو شاخص‌های مد نظر پژوهش حاضر بود، اما در مرحله اول دلفی، بنا به نظر اعضای پانل، حذف شد؛ با این همه، به‌نظر می‌رسد که مدل توسعه کارآفرینی زنان روستایی الزاماً اشتغال‌محور نباشد و ممکن است برخی ارزش‌های دیگر در این حوزه نقش داشته باشند و چه‌بسا نقش توانمندسازی روان‌شناختی در خصوص زنان کاملاً متفاوت و مؤثرتر باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که این موضوع در پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد. شایان یادآوری است که مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، از مجموع

- ۱۰۹۲۰۰ طرح تسهیلات گرفته در بخش اشتغالزایی روستایی، تنها نوزده درصد آن به زنان مربوط بوده، که آسیب‌شناسی این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است.
- ۲- *آزمون اثرات ماهیت فعالیت‌های کارآفرینی روستایی؛ از آنجا که مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)*، از مجموع طرح‌های تسهیلات گرفته یادشده در بخش اشتغالزایی روستایی، ۷۱ درصد در بخش کشاورزی، شالزده درصد در بخش صنعتی و سیزده درصد در بخش خدماتی بوده‌اند، مطالعه و آزمون نقش مؤلفه حوزه فعالیت‌های روستایی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر یا میانجی پیشنهاد می‌شود.
- ۳- *توسعه جامعه هدف بخش کمی پژوهش؛ از آنجا که در پژوهش حاضر، جامعه هدف افراد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر حوزه کارآفرینی روستایی بودند، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، تمامی نمونه‌های انتخابی از کارآفرینانی انتخاب شوند که منحصراً در روستا فعالیت می‌کنند و نتایج موجود با نتایج پژوهش آتی مقایسه شود.* بدین ترتیب، می‌توان علاوه بر کشف متغیرهای پنهان، عوامل یافت‌شده را دسته‌بندی کرد.

منابع

1. Ahmadpour Dariani, M. and Maleki, A. (2015). *Advanced entrepreneurship*. Tehran: Iran Entrepreneurs House Publications. (Persian)
2. Alidoust, S. and Lashgarara, F. (2013). The obstacles of entrepreneurship development of rural women. *Journal of Agricultural Extension and Education Research*, 6(1): 7-16. (Persian)
3. Atkisson, A. and Hatcher, R.L. (2001). The compass index of sustainability: prototype for a comprehensive sustainability information system. *Journal of Environmental Assessment Policy and Management*, 3(04): 509-532 .
4. Colquitt, J.A. and Zapata-Phelan, C.P. (2007). Trends in theory building and theory testing: a five-decade study of the Academy of Management Journal. *Academy of Management Journal*, 50: 1281e1303.
5. Dabson, B., Malkin, J., Matthews, A., Pate, K. and Stickle, S. (2003). *Mapping rural entrepreneurship*. Washington, DC: Corp. for Enterprise Development.

6. Das, D.C. (2014). Prospects and challenges of rural entrepreneurship development in NER-A study. *International Journal of Humanities and Social Science Studies*, 1(3): 178-182.
7. Drolet, J. (2011). Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt. *International Social Work*, 54(5): 629-645.
8. Elena, H., Sorina, M. and Rus, D. (2015). A predictive model of innovation in rural entrepreneurship. *Procedia Technology*, 19: 471-478.
9. Faraji Sabokbar, H., Badri, S.A., Sojasi Qidari, H., Sadeghloo, T. and Shahdad Khajeh-Askari, A. (2011). Prioritization of entrepreneurship development in rural areas using Prometheus technique (case study: suburban rural district of Khodabandeh County, Zanzan province). *Human Geography Research*, 43(75): 53-68. (Persian)
10. Farhangi, A.A. and Safarzadeh, H. (2007). Organizational behavior management: concepts, theories, applications. Tehran: Pooyesh Publications. (Persian)
11. Fornell, C. and Larcker, D.F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research* 18(1): 39-50.
12. Hosseininia, G.F. and Fallahi, H. (2017). factors affecting rural entrepreneurship development (case study: rural areas of Manojan County. *Rural Research*, 8(1): 25-33. (Persian)
13. Khatoonabadi, A. and Andadeh, Gh. (2008). Assessing the success of rural entrepreneurs in Isfahan province using AHP and factor analysis method. Paper Presented at the National Conference on Entrepreneurship Development, Applied Science Education, Mashhad, Iran. (Persian)
14. Lavidge, R.J. and Steiner, G.A. (1961). A model for predictive measurements of advertising effectiveness. *Journal of Marketing*, 25(6): 59-62.
15. Levitas, R. (2000). Community, utopia and new labour. *Local Economy*, 15(3): 188-197.
16. Mafi, F. (2009). Microcredits, features, experiences, considerations, strategies. Economics Research Group. (Persian)
17. Mirzaei, H., Ghaffari, Gh. and Karimi, A. (2011). Empowerment, industrialization and underlying factors affecting it (case study: rural areas of Qorveh city. *Quarterly Journal of Rural Research*, 4(4): 99-128. (Persian)
18. Moghimi, S.M. and Rezvan, M. (2011). Organizational behavior management (individual and group level). Tehran: Industrial Management Organization. (Persian)

19. Mohammadi Elias, A. (2009). Theoretical contribution to entrepreneurship studies: concepts and typology. *Iranian Management Science Quarterly*, 3(10): 145-168. (Persian)
20. Momeni Helali, H. and Moazen, Z. (2015). A review of barriers to entrepreneurship development in the agricultural sector. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 2(1): 111-124. (Persian)
21. Movahedi, R. and Yaghoubi Farani, A. (2012), An introduction to rural entrepreneurship. Hamadan: Bu Ali Sina University. (Persian)
22. Nemati, M.A. (2013). Investigating the entrepreneurial personality traits of tehran state university students. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 2(3): 47-64. (Persian)
23. Otiman, P.I. (2011). Alternativele economiei rurale a României: Dezvoltarea agriculturii sau insecuritate alimentară și deșertificare rurală severă [Romanian rural economy alternatives: Development of agriculture or rural food insecurity and severe desertification], Editura Academiei Române, București.
24. Muñoz, P. and Kimmitt, J. (2000), Rural entrepreneurship in place: an integrated framework. Grant No. 15PES-44401. CORFO – Chile: Production Development Corporation.
25. Parsons, R.J. (2001). Specific practice strategies for empowerment-based practice with women: a study of two groups. *Affilia*, 16(2): 159-179.
26. Petrin, T. and Gannon, A. (1997). Rural development through entrepreneurship. REU Technical Series (FAO).
27. Pourrajab, Y. (2011). Pathology of rural entrepreneurship in Iran. *Dehyar Research, Educational and Extension Monthly*, 6(3): 28-35. (Persian)
28. Rahmanpour, L. (2002). Empowerment: concepts, structure and solutions. *Management Monthly*, 12(6): 14-18. (Persian)
29. Rural Development Document (2017). Rural and Nomadic Development Planning Council and Empowerment of Low Income Groups of the Sixth Development Plan and Deputy for Planning and Infrastructure Affairs of the Deputy for Rural Development and Deprived Areas of Iran. (Persian)
30. Sharifzadeh, A., Arabiun, A. and Sharifi, M. (2010). An examination of barriers to development of agro-enterprises in Golestan province of Iran. *Village and Development*, 13(4): 129-160. (Persian)
31. Sigler, T.H. and Pearson, C.M. (2000). Creating an empowering culture: examining the relationship between organizational culture and perceptions of empowerment. *Journal of Quality Management*, 5(1): 27-52.

32. Spreitzer, G.M. (1996). Social structural characteristics of psychological empowerment. *Academy of Management Journal*, 39(2): 483-504.
33. Verdinejad, F., Mirzaei, M.A. and Zamanifar, M. (2008). Empowerment. Available at www.verdinejad.com. (Persian)
34. Whetten, D.A. and Cameron, K.S. (2004). Empowerment of employees and delegation of authority. Translated by B. Oraei Yazdani. Karaj: Institute of Management Research and Training. (Persian)
35. Yasouri, M., Qorashi, M.B. and Vatankhah, J. (2015). Analysis of barriers and solutions for entrepreneurship development of rural women in Gorab Pas, Fooman. *Rural Research*, 6(2): 323-342. (Persian)
36. Young, N. (2010). Business networks, collaboration and embeddedness in local and extra-local spaces: the case of port Hardy, Canada. *Sociologia Ruralis*, 50(4): 392-408.

